

# فصل اول

## مدخلی بر دستور زبان فارسی

### زبان

زبان وسیله ارتباطی در جوامع بشری است که از مقداری علامت و نشانه‌هایی که برای انتقال هر نوع معنی از یک‌ذهن به ذهن دیگر به کار می‌رود، تشکیل شده است. زبان دو صورت دارد: صورت گفتاری که در نشانه‌های صوتی آشکار می‌شود و صورت نوشتاری (مکتوب) که در نشانه‌های خطی بروز می‌یابد.

### زبان فارسی

زبان فارسی از خانواده زبان‌های ایرانی و زبان‌های ایرانی از خانواده زبان‌های هند و ایرانی است. زبان‌های هند و ایرانی شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی (Indo-European) به شمار می‌رود. زبان‌های هند و اروپایی از مهم‌ترین زبان‌های بشری است که شاخه‌های بی‌شماری دارد و در سراسر اروپا همچنین در قسمت‌های پهناوری از آمریکا، اقیانوسیه و آفریقای جنوبی پراکنده شده است. زبان‌های هند و ایرانی نسبت به دیگر اعضای خانواده زبان‌های هند و اروپایی، دیرتر از یکدیگر جدا شدند و به این سبب مشترکات زیادی بین آن دو وجود دارد.

زبان فارسی نیز مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی که لزوماً دچار تغییر و تحول می‌شوند، صورت ثابتی ندارد و در طول تاریخ تکوین، تغییرات و تحولات زیادی یافته

به گونه‌ای که در هر دوره تحول، از صورت پیشین خود متمایز شده است. ولی بر هر دوره تحول، قانون‌های خاصی حاکم است که با در نظر گرفتن و اعمال آن قانون‌ها، می‌توان به صورت پیشین زبان دست یافت.

زبان فارسی سه دوره تحول دوره باستان، فارسی میانه و فارسی جدید را پشت سر گذاشته است. بدین ترتیب که فارسی میانه، صورت تحول یافته فارسی در دوره باستان و فارسی جدید صورت تحول یافته فارسی میانه است. فارسی دوره باستان و میانه از زبان‌های مرده یا خاموش به شمار می‌روند چون به صورت زنده کاربرد ندارند و فقط صورت مکتوب آنها در مطالعات تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

زبان فارسی که آن را دری می‌نامیدند زبان رسمی و اداری در دوره اسلامی بوده و هم‌اکنون بیش از هزارسال دارد. این زبان نیز در طول این دوره دچار تحولات فراوانی شده است؛ ولی در مقایسه با زبان‌های دیگر مانند فرانسه و انگلیسی تحولات فارسی دری چشم‌گیر نیست و ما اکنون به راحتی و با مراجعه به فرهنگ لغات، زبان رودکی و دیگر پیشینیان خود را می‌فهمیم در صورتی که در زبان‌های مذکور چنین نیست.

زبان فارسی در سرزمین‌های بزرگی از آسیای میانه رایج و زبان رسمی سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان است و روزگاری زبان ادبی و رسمی و دریاری برخی از سرزمین‌های دیگر چون آسیای صغیر و هندوستان نیز بوده است. یادآوری می‌شود که قدیم‌ترین نمونه‌هایی که از این زبان در دست است مربوط به قرن‌های دوم و سوم هجری قمری است.

## خط فارسی

خطی که برای زبان فارسی در دوره اسلامی برگزیده شد، خط عربی بود. این خط مانند خط‌های ایرانی از جمله خطوط سامی محسوب می‌شود که با خطوط ایرانی در فارسی میانه خویشاوند است. تحولاتی که در خطوط سامی ایجاد شده، شامل خط عربی نیز می‌شود. الفبا یا نشانه‌های آوایی زبان فارسی دری با خط عربی نشان داده می‌شود.

## واج (آوا)

واج یا آوا (phoneme) به نشانه‌های هر زبان گفته می‌شود و کوچک‌ترین واحد صوتی

است که باعث تغییر معنی در کلمه می‌شود. مانند واج «غ» و «ز» در دو کلمه تیز و تیغ یا مانند واج «ب» و «د» در دو کلمه دار و بار. واج‌ها یا واحدهای صوتی به دودسته تقسیم می‌شوند: واج‌های صامت (Consonant) یا همخوان و مصوت (vowel) یا واکه. واج‌ها بر اثر ارتعاش و فشار بر هوایی که از اندام‌های صوتی و مجرای گفتار می‌گذرد به وجود می‌آیند.

### صامت یا همخوان

صامت‌ها آن دسته از واج‌هایی هستند که هنگام ادای آنها جریان هوایی که در نای گلو وجود دارد هنگام گذار خود از حفره دهان در فاصله میان گلو و لب‌ها به مانعی برخورد کند و با فشار از آن عبور کند و یا در حین عبور، مسیر آن منحرف شود و یا یکی از اعضای برتر گلو را به اهتزاز درآورد. به سبب اینکه صامت‌ها هنگام عبور خود از دهان به مانع سختی برمی‌خورند، از نظر خروج صوت‌ها به دودسته «انسدادی» و «انقباضی» تقسیم می‌شوند. «صامت‌های انسدادی»، صوت‌هایی هستند که هنگام ادای آنها مجرای گفتار کاملاً مسدود و جریان هوا منقطع می‌شود. این صامت‌ها عبارتند از: ب، پ، ت، د، ک، گ، ء. «صامت‌های انقباضی»، صوت‌هایی هستند که هنگام خروج آنها از دهان جریان هوا به طور کامل قطع نمی‌شود و می‌توان تلفظ آنها را تا زمانی که نفس در شش‌ها وجود دارد، ادامه داد. مانند ر، ز، ژ، س، ف، ل و... دسته دیگری از صامت‌ها وجود دارد که به آنها خیشومی یا غنه (nasal) گفته می‌شود هنگام ادای این صامت‌ها، صوت جلوی مجرای بینی بازمی‌ماند به طوری که تمام یا قسمتی از هوای مرتعش شده از راه بینی به خارج فرستاده می‌شود. مانند واج م و ن. در زبان فارسی برای نشان دادن صامت‌ها، از چندین نشانه (= حرف) استفاده می‌شود. به عنوان مثال سه نشانه متفاوت ث، س، ص برای یک صامت به کار برده می‌شود.

### الفبای زبان فارسی

واج‌ها یا نشانه‌های آوایی زبان فارسی عبارت است از: ا، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی. هر یک از این نشانه‌ها